

گوش ساری (مازندرانی)

تالیف گیتی شکری

تهران، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی،

۱۳۷۴، ۴۸۱ ص

یکی از لهجه‌های ساحل دریای خزر مازندرانی (طبری) است که جزو زبانهای دسته غربی ایرانی به حساب می‌آید. مازندرانی صاحب ادبیات محلی و آثار بسیاری بوده که بیشتر آنها از میان رفته است.

موضوع پژوهش کتاب حاضر همان‌گونه که از نام آن برمی‌آید بررسی گوشهای یکی از شهرهای قدیمی مازندران و مرکز آن استان، یعنی ساری است که در دامنه شمالی کوه البرز در فاصله بیست و چهار کیلومتری بحر خزر واقع است. این کتاب دارای یک مقدمه و چهار فصل است؛ در مقدمه مفصل کتاب با اوضاع طبیعی و اجتماعی و اقتصادی و تاریخی منطقه و نیز تاریخچه مطالعات انجام شده درباره گوش مازندرانی آشنا می‌شویم.

فصل اول درباره ساخت آوایی گوش ساری است و در فصل دوم صرف و نحو این گوش بررسی شده است. فصل سوم به واژه‌نامه ساروی-فارسی اختصاص دارد و سرانجام در فصل چهارم فهرست معادل‌های فارسی به دست داده شده است.

به طور کلی می‌توان گفت این کتاب از حیثیت اشتمال بر اطلاعات جامعی در مورد گوش ساروی و خاصه واژگان این گوش اثر ارزشمندی است.

مواد خام کتاب به کمک دو گویشور ۶۰ و ۹۰ ساله تهیه شده است. از جملاتی که در محاوره روزمره مردم به کار می‌رود نیز استفاده شده است.

مؤلف در بخش نخست (ص ۵۳ - ۲۹) واجهای همخوانی و واکه‌ای گوش را ذکر کرده

است ولی از روش خود در استخراج واجها سخنی به میان نیاورده است. چنانکه فهرست واژه‌ها و همخوانهای ثبت شده در این کتاب نشان می‌دهد واجهای این گویش چه از نظر تعداد و چه از نظر شیوه و محل تولید تفاوتی با واجهای زبان فارسی ندارد. در همین قسمت مؤلف واجگونه‌های مهم همخوانها را نیز ذکر کرده و از سه واژه مرکب [äu]، [ay]، [ou] سخن گفته است که تنها در سطح آواشناسی مطرح هستند؛ ولی سپس تصریح می‌کند که این گویش در سطح واجشناسی واژه مرکب ندارد. بعد از توصیف واجهای گویش، تکیه و ساختمان هجایی گویش مورد توجه قرار می‌گیرد و ۳ نشان داده می‌شود که تکیه در این گویش «از نظر کیفیت آوایی» مانند فارسی از نوع زیر و بمی است و نوع فشاری تکیه در آن ارزش فرعی دارد (ص ۳۸)، و دیگر اینکه ساختمان هجایی ساروی مانند زبان فارسی از نوع (c) cv است. در آخر این فصل فرآیندهای آوایی عمده در این گویش با مقایسه آوایی میان کلمات ساروی - فارسی به دست داده شده است.

فصل دوم (ص ۱۵۷ - ۵۴) را می‌توان به دو قسمت صرف و نحو تقسیم کرد. در بخش صرف واژه‌های ساده، مشتق، مرکب بررسی شده‌اند. ذیل «واژه‌های مشتق» از پیشوندها و پسوندهای این گویش سخن گفته شده است. در ص ۵۵ مؤلف پیشوند -em(?) را مطرح می‌کند و برای آن تنها موارد امروز (emru?)، امسال (emsal?) و امشب (emšu?) را ذکر می‌کند. همان‌طور که از مثالها نیز پیداست به نظر می‌رسد که در این گویش مانند فارسی پیشوند -em? دیگر زبایی خود را از دست داده است. مؤلف بعد از معرفی انواع واژه‌ها، اسم، نشانه‌های جمع، معرفه و نکره، انواع ضمیرها، عدد، صفت، فعل و ساختمان آن را به‌طور مفصل بررسی کرده و سپس به توصیف انواع قید پرداخته است. در ص ۷۲ آمده است که «گروه اسمی از بیشتر از یک کلمه تشکیل می‌شود»، و این در حالی است که گروه اسمی ذیل انواع کلمه در صرف قرار گرفته است. صحبت از انواع گروه‌های اسمی، فعلی و قیدی در این قسمت موجه به نظر نمی‌رسد.

فعل مازندرانی گونه ساری دو ستاک برای زمانهای حال و گذشته دارد. ستاک گذشته از ستاک حال مشتق می‌شود و بی‌قاعدگیهای متعددی در این اشتقاق به چشم می‌خورد. ستاک حال در صیغه‌های فعلی حال ساده و حال التزامی و ستاک گذشته در صیغه‌های فعلی گذشته ساده، حال کامل، گذشته کامل، گذشته التزامی و گذشته استمراری می‌آید. مؤلف در ص ۹۱ و ۹۲ پنج گونه پسوند مصدری زیر را برشمارده است: /-en/، /-yen/، /-en/ و /-essen/؛ و /-ssen/؛ و برای آنها مثالهایی از این دست آورده است:

نگریستن :hâršâ?en؛ کشیدن :bakešiyen؛ افتادن :dakēt-en؛ خواستن :bexâssen؛ ریختن

.dakel-essen

بهرتر این بود که تنها /-en/ به عنوان پسوند مصدری مطرح می‌شد زیرا /-? -/ و /-y- / صامت میانجی هستند و /-ess- / یا /-ss- / قسمتی از ستاک. مورد اخیر زمانی روشن‌تر می‌شود که به ص ۹۶ کتاب مراجعه کنیم؛ در این صفحه آمده است «گاه با افزودن /-ess- / به ستاک حال مختوم به همخوان و /-ss- / به ستاک حال مختوم به واکه، ستاک گذشته و اسم مفعول ساخته می‌شود».

در این گوش حال کامل وجود ندارد و هیچ صیغه مشخصی برای بیان وقوع فعل در زمان آینده وجود ندارد. در چنین مواردی از صیغه‌های زمان حال به اضافه قیدی که ناظر بر آینده باشد استفاده می‌شود.

فصل سوم و چهارم (۴۷۳ - ۱۵۸) به واژه‌نامه‌ها اختصاص دارد.

مؤلف در این قسمت‌ها در مورد چگونگی استفاده از واژه‌نامه‌ها و مخصوصاً روش فهرست کردن واژه‌های ساروی - فارسی توضیحی نمی‌دهد. نکته‌ای که در این بخشها مخصوصاً بخش سوم (۳۶۸ - ۱۵۸) رعایت نشده صرفه‌جویی در کاغذ است که در شرایط فعلی منطقی به نظر نمی‌رسد زیرا در هر صفحه تنها دو ستون یعنی کلمه ساروی و معادل فارسی آن آورده شده است در حالیکه به راحتی با اضافه شدن دو ستون دیگر تعداد صفحات این واژه‌نامه به نصف تقلیل پیدا می‌کرد. جای فهرست اصطلاحات زبان‌شناسی به‌کارگرفته شده در کتاب نیز در آخر کتاب خالی است. در پایان توفیق مؤلف را آرزو مندیم و منتظر کارهای دیگری از وی هستیم.

مهرداد نغزگوی کهن

مجله باستان‌شناسی و تاریخ منتشر شد:

سال دهم، شماره اول، پاییز و زمستان ۷۴

تاریخ انتشار: آبان ۷۵

عنوان برخی مقالات

- روش کاوش در باستان‌شناسی: لایه‌نگاری
عباس علیزاده
- مجسمه پارتی از شوش و مجسمه مفرغی شمی
وستا سرخوش (کورتیس) ترجمه مولود شادکام
- نگاهی دیگر به شاهپور دوم، اردشیر دوم و شاهپور سوم
پیشنهادی برای بازنویسی بخشی از تاریخ ساسانیان
نوشته مسعود آذرنوش
- تاریخ‌نگاری ایران در هند: منهاج سراج جوزجانی و کتاب طبقات ناصری
نوشته آرمیدخت مشایخ فریدنی